

کاربست دانش سبک زندگی در بازطراحی دروس معارف اسلامی

حمید فلاحتی*

چکیده

یافته‌های علمی درباره دروس معارف اسلامی از این حقیقت حکایت دارند که این دروس به رغم توفیقاتی که در رسیدن به اهداف خود داشته‌اند، انتقاداتی به محتوا و شیوه ارائه آنها وجود دارد. بر اساس برخی از این پژوهش‌ها، گذراندن این دروس نتوانسته به تقویت رفتارهای اخلاقی، پاسخگویی به نیازهای هویت‌یابی دینی، نیازهای رفتاری و کسب شیوه‌های عملی زیست دینی دانشجویان منجر شود. این در حالی است که گنجاندن دروس معارف اسلامی، در قالب دروس عمومی، در برنامه درسی دانشگاه‌ها با هدف اثرگذاری در حیطه‌های شناختی، عاطفی، روان‌شناختی و رفتاری دانشجویان بوده است. دانش سبک زندگی، دانشی میان‌رشته‌ای و دارای رویکردهای مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و دینی است. این دانش با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد، می‌تواند نقشی بی‌بدیل در انسجام‌بخشی، کارآمدسازی و اثربخشی به دروس معارف اسلامی داشته باشد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی در پی آن است که مهم‌ترین دلایل این ادعا را تبیین و ظرفیت دانش سبک زندگی اسلامی را در بازطراحی دروس معارف اسلامی آشکار کند.

کلیدواژه‌ها: دانش سبک زندگی، دروس معارف اسلامی، انسجام‌بخشی، اثربخشی، کارآمدسازی

* استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و ضرورت انقلاب فرهنگی در مراکز علمی و دانشگاه‌ها، دروسی با عنوان معارف اسلامی ذیل دروس عمومی دانشگاه‌ها گنجانده شد. هدف از اجرای این دروس اثرگذاری در حیطه‌های شناختی، عاطفی، روان‌شناختی و رفتاری دانشجویان بود.^۱ اهداف شناختی اهدافی هستند که تقویت بنیان‌های معرفتی و عقاید دینی را به صورت استدلالی و روشمند دنبال می‌کنند. توسعه و تعمیق دانش و بینش اسلامی، مقابله با گسترش افکار انحرافی و پاسخ به سؤالات بینشی دانشجویان از اهداف شناختی مهم ارائه این درس در مراکز علمی هستند. در حیطه عاطفی روان‌شناختی، دروس معارف در پی تقویت روح خودباوری، کمک به هویت‌یابی فردی و اجتماعی و افزایش غرور دینی و تقویت روح معنویت و حس کنجکاوی دینی دانشجویان هستند. تبیین هنجارهای رفتاری مثبت دینی، تقویت شیوه‌های عملی زیست مؤمنانه در سطح فردی و کسب مهارت زندگی امروزی بر اساس ارزش‌های دینی در میان دانشجویان از اهداف مهم رفتاری دروس معارف اسلامی به شمار می‌روند.

اهداف دروس معارف اسلامی در سه حیطه بینشی، گرایشی و رفتار تدوین شده‌اند، ولی به صورت قابل قبولی به اجرا درنیامده‌اند (مجیدی و فاتحی، ۱۳۸۵؛ خوشی، ۱۳۹۱؛ لیاقتدار و همکاران، ۱۳۷۸؛ غلامی و شمسایی، ۱۳۹۸). بخشی از علل این ناکامی در دستیابی به اهداف، مربوط به محتوای این دروس است. شاید نکته کلیدی در این امر نبود انسجام لازم در دروس معارف اسلامی باشد؛ به این معنا که محتوای دروس اسلامی باید به صورت یک بسته کامل طراحی و تدوین شود که هر بخش از آن عهده‌دار تحقق رسالت خود باشد و دانشجویان نیز احساس کنند که این دروس سلسله‌ای از دروس هستند که آنان را به سوی هدفی مشخص راهبری می‌کند و محتوای این دروس همسو با نیازهای روزشان است و در موفقیتشان در مراحل مختلف زندگی تأثیرگذار خواهد بود (فیروزی، ۱۳۹۴).

اگر مهم‌ترین مشکل محتوای دروس معارف اسلامی را نداشتن انسجام، اثربخشی و کارآمدی بدانیم، برای جبران این اشکال باید طراحی نو در انداخت و محتوای دروس معارف اسلامی را به گونه‌ای طراحی و تدوین کرد که سه عنصر اساسی را در خود داشته باشد: ۱. از انسجام لازم برخوردار باشد، ۲. در ساحت‌های مختلف زندگی مخاطبان خود تأثیرگذاری لازم را داشته باشد، ۳. در تحقق اهداف دروس معارف اسلامی کارآمدی خود را اثبات کند.

۱. اساسنامه شورای نمایندگان مقام معظم رهبری و دفاتر آن‌ها در دانشگاه‌ها، مصوب جلسات ۲۱۷ و ۲۱۸ مورخ ۵ تیر و ۱۹ تیر ۱۳۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی شماره ۱۳۶۸ د ش - تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۶۹؛ اساسنامه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، مصوب جلسات ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ مورخ ۱۵ و ۱۹ بهمن ۱۳۷۲ و ۳ اسفند ۱۳۷۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ جلسات ماهانه گروه‌های معارف اسلامی ۱۳۸۵-۱۳۸۹ نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دانشگاه معارف اسلامی قم.

به نظر می‌رسد که دانش سبک زندگی، با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد، می‌تواند این مهم را محقق کند. به عبارت دیگر، با استفاده از ظرفیت دانش سبک زندگی می‌توان ضمن انسجام بخشی به دروس معارف اسلامی، در کارآمدسازی و اثربخشی آن گام مؤثری برداشت و زمینه بازطراحی این دروس را فراهم کرد. این تحقیق در پی آن است تا با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی ظرفیت‌های دانش سبک زندگی و به خدمت گرفتن آن در دروس معارف اسلامی اثبات کند که می‌توان با استفاده از این دانش، مشکلات موجود دروس معارف اسلامی را برطرف کرد و گام مهمی در رسیدن به اهداف والای این دروس برداشت.

۱) پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی با هدف ارائه پیشنهاد برای اثربخشی بیشتر دروس معارف اسلامی انجام شده است. امید آهنچی در مقاله «بررسی امکان ارتقای اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با رویکرد الهیات عملی» به دنبال اثبات ظرفیت الهیات عملی در اثربخشی دروس معارف اسلامی بوده است. این مقاله در شماره ۳۹ پژوهشنامه فلسفه دین (۱۴۰۱) به چاپ رسیده است. فریبا ذوالفقاری در کتاب بررسی تأثیر برنامه‌ریزی درسی پنهان بر اثربخشی آموزش دروس معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان در پی استفاده از ظرفیت برنامه‌ریزی درسی پنهان یا برنامه درسی پنهان برای اثربخشی بیشتر دروس معارف اسلامی است. برنامه درسی پنهان، تدریس ضمنی هنجارها و ارزش‌ها و ایجاد تمایلات خاص در فراگیرندگان است که نگارنده تلاش دارد کارآمدی آن را در دروس معارف اسلامی اثبات کند. این کتاب را انتشارات سنجش و دانش در سال ۱۳۹۶ منتشر کرده است. ابوالفضل خوشی در رساله دکتری خود با عنوان «تبیین و شناسایی مسائل و نیازهای دانشجویان در برنامه درسی دروس معارف اسلامی دانشگاه‌های شهر تهران به منظور ارائه الگوی مطلوب»، پس از بررسی فاصله وضع موجود و وضع مطلوب در برنامه درسی دروس معارف اسلامی، الگوی مطلوب برنامه درسی دروس معارف اسلامی را مبتنی بر الگوی نه عنصری کلاین (اهداف، محتوا، راهبردی‌های یادگیری و یاددهی، ارزشیابی، فعالیت‌های یادگیری، منابع، زمان، مکان) ارائه می‌دهد. از این رساله در سال ۱۳۹۱ در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی دفاع شده است. در پژوهش‌های میدانی دیگری نیز به مسئله اثربخشی دروس معارف اسلامی توجه شده است، اما این پژوهش‌ها بدون آنکه الگویی برای اثربخشی ارائه دهند، بیشتر به میزان رضایت دانشجویان از این امر بسنده کرده‌اند. همچنین پژوهشی یافت نشد که ظرفیت دانش سبک زندگی در اثربخشی دروس معارف اسلامی را بررسی کرده باشد.

۲) مفهوم‌شناسی

سبک زندگی اصطلاحی مرکب از دو واژه «سبک» و «زندگی» است. در زبان عربی واژه «اسلوب» و در زبان انگلیسی واژه «style» برای بیان معنای سبک به کار می‌روند. ترکیب life style (سبک زندگی) را نخستین بار دو جامعه‌شناس آلمانی به نام‌های جورج زیمل و ماکس وبر در آثار خود به کار بردند (آتشین صدف، ۱۳۹۹: ۷۹، ۱۱۵)، ولی از آنجا که آثار آنان تا دهه پنجاه قرن بیستم به انگلیسی ترجمه نشد، مشهور این است که آلفرد آدلر، بنیان‌گذار روان‌شناسی فردی، این اصطلاح را در سال ۱۹۲۹ میلادی برای توصیف ویژگی‌های زندگی آدمیان به کار برد (فلاحی، ۱۳۹۵: ۸).

رهیافت‌های اساسی سبک زندگی در دو دسته کلی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی قرار می‌گیرند. جامعه‌شناسان در تعریف‌هایی که مطرح می‌کنند، بیشتر بر هنجارهای اجتماعی افراد و توصیف نگرش و منش اجتماعی آنان در جامعه تأکید دارند، در حالی که روان‌شناسان بیشتر به بُعد فردی و شخصیتی توجه کرده‌اند؛ چنانکه آدلر اصطلاح سبک زندگی را به جای شخصیت و برای اشاره به حال و هوای زندگی فرد به کار برده است. از دیدگاه او، سبک زندگی هدف فرد، خودپنداره، احساس‌هایش به دیگران و نگرش فرد به دنیا را شامل می‌شود (فیست و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۷).

برخی از جامعه‌شناسان مشهور مانند پیر بوردیو، آنتونی گیدنز، میشل سوبل و دیوید چنی، که در مباحث خود به سبک زندگی توجه داشته‌اند، دارای دو نگرش کلی در طرح این مباحث هستند. در نگرش نخست برخی جامعه‌شناسان سبک زندگی را از جنس کنش و رفتار می‌دانند و ارزش‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های ذهنی افراد را از دایره این مفهوم خارج می‌کنند، برخلاف نگرش دوم که ارزش‌ها و نگرش‌ها را بخشی از سبک زندگی به شمار می‌آورد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۷).

باید رهیافت سومی را به این دو رهیافت افزود که ضمن استفاده از یافته‌های قطعی هر دو روش پیش‌گفته، تعریف، ویژگی‌ها و شاخص‌های ویژه خود را دارد؛ رهیافت دینی. سبک زندگی در این رهیافت عبارت است از الگوی کنش مرجح و پایدار که از منابع معتبر دینی، شیوه زندگی پیشوایان دین، عرف متشرعان و مبانی ارزشی دین استخراج شده است. این رهیافت بر اساس متون اصلی و معتبر دینی سامان می‌یابد و عنصر زمان و مکان در آن جایگاه ویژه‌ای دارد (فلاحی، ۱۳۹۵: ۸).

بر اساس مطالب پیش‌گفته می‌توان گفت که سبک زندگی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها را در بر می‌گیرد که در بیشتر موارد، در یک گروه

ظهور و بروز می‌یابند و برخی از افراد با آن صاحب یک نوع سبک زندگی مشترک می‌شوند. در سبک‌های زندگی رهیافت‌هایی از ارزش‌ها، تلقی‌ها و سلیقه‌هایی مشابه به دست می‌آید و در قالب زندگی نمایان می‌شود که از طرز پوشش، غذا، فراغت و آراستگی مورد علاقه افراد تا معماری، آرایه‌گری و تزئین خانه را در بر می‌گیرد. بنابراین سبک زندگی قواعد یا الگوهای رفتاری است که در بُعد شخصیتی و فردی شامل نحوه و چگونگی بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌ها است و در بُعد فعالیت‌ها فعالیت‌های روزمره زندگی در خانواده و اجتماع (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی) را در بر می‌گیرد.

سبک زندگی بر اساس شرایط بینشی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی مدل‌های مختلفی می‌یابد؛ از این رو می‌توان رویکرد و مدل سبک زندگی غربی و سبک زندگی ایرانی اسلامی را متمایز دانست. حاصل رویکرد غربی تلاشی گسترده برای معرفی، ترویج و تثبیت سبک خاصی از زندگی است که خاستگاه و پشتوانه معرفتی اش فرهنگ سکولار و مادی‌گرایانه غربی است. از سوی دیگر، سبک زندگی با رویکرد اسلامی را می‌توان دانشی مستقل به حساب آورد که شاخه‌ای از جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی نیست، بلکه از رویکردهای مختلفی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی یا دینی بهره می‌برد (فعالی، ۱۳۹۶: ۱۹۱).

موضوع دانش سبک زندگی الگوهای رفتاری است و تمام مسائل آن گرد محور قواعد و الگوهای رفتاری شکل می‌گیرد (همان: ۲۰۶). هدف این دانش ارائه الگوهای مطلوب و شیوه‌های زیستن سالم بر اساس منابع دینی است (همان: ۲۲۹) و در روش نیز تک‌ساحتی نیست، بلکه از روش‌های مختلف عقلی، نقلی، تجربی و شهودی بهره می‌گیرد (ر.ک: همان: ۲۳۱-۲۳۳).

دروس معارف اسلامی جزء دروس عمومی یا، به تعبیر بهتر، غیر اختصاصی هستند که به رشته خاصی اختصاص ندارند و برای تمام رشته‌های تحصیلی ارائه می‌شوند. این دروس شامل شانزده درس در پنج گرایش هستند و دانشجویان دوره کارشناسی باید شش درس به ارزش دوازده واحد از مجموعه دروس معارف اسلامی را انتخاب کنند. جدول دروس معارف اسلامی در جلسه ۵۴۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۲۳ تیر ۱۳۸۳ تصویب و ابلاغ شده و بار دیگر طی بخشنامه شماره ۷۰۲۳۴/۲۱/۲ در تاریخ ۷ تیر ۱۳۹۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جدول و سرفصل دروس معارف اسلامی جهت اجرا به دانشگاه‌ها ابلاغ شده است. مبانی نظری اسلام، اخلاق اسلامی، انقلاب اسلامی، تاریخ و تمدن اسلامی و آشنایی با منابع اسلامی گرایش‌های پنج‌گانه دروس معارف اسلامی هستند.

۱۳) امتیازات دانش سبک زندگی برای بازطراحی دروس معارف اسلامی

سبک زندگی اسلامی دانش مستقلی است که موضوع، غایت، روش علمی و نظام مسائل مختص به خود را دارد. به نظر می‌رسد از ظرفیت این دانش به خوبی می‌توان برای بازطراحی دروس معارف اسلامی استفاده کرد. دلایل مهم این ادعا در پی می‌آیند.

الف) موضوع دانش سبک زندگی

یکی از معیارهای دسته‌بندی علوم موضوع آنها است (مصباح یزدی، ۱۳۶۴: ۷۲). نگاهی به تعاریف سبک زندگی نشان می‌دهد که هرچند در رشته‌های مختلف علوم انسانی برداشت‌های متفاوتی از سبک زندگی وجود دارد (ر.ک: حسنی و دیگران، ۱۳۹۶)، با مقایسه تعاریف می‌توان چند ویژگی مشترک برای آنها بیان کرد. ویژگی نخست کاربرد سبک به معنای الگو است. دومین ویژگی درباره عینی یا کنش محوری بودن سبک زندگی است و سومین ویژگی به سطح تحلیل سبک زندگی فرد اشاره دارد. بر این اساس، الگوهای رفتاری موضوع دانش سبک زندگی است (ر.ک: فعالی، ۱۳۹۶: ۱۹۳) و موضوع سبک زندگی با رویکرد اسلامی، الگوهای رفتاری با رویکرد دینی خواهد بود.

رفتارها و کنش‌هایی که از انسان‌ها سر می‌زند بر مبنای و اصولی استوار هستند که الگو یا مدل رفتاری نام دارند (همان: ۱۳۵). الگوهای رفتاری دسته‌بندی‌های متنوعی به خود می‌گیرند، از جمله الگوهای فردی و جمعی و الگوهای آشکار و پنهان. رفتار نیز در گستره سبک زندگی طبقه‌بندی‌های بسیاری دارد، مثل رفتارهای جوارحی و جوانحی، رفتارهای قیامی و صدوری، رفتارهای طبیعی، ارادی و جبری، رفتارهای عبادی و غیرعبادی، رفتارهای فردی و جمعی و رفتارهای حقیقی و اعتباری.

حاصل آنکه گستره سبک زندگی تمام افعال جوارحی و جوانحی، قیامی و صدوری، ارادی، عبادی و غیرعبادی، فردی، جمعی و خانوادگی را شامل می‌شود. این گستردگی موضوعی دانش سبک زندگی فرصت مناسبی برای انسجام‌بخشی به دروس مختلف معارف اسلامی است؛ چراکه در گرایش‌های پنج‌گانه دروس معارف اسلامی، درس‌هایی مانند اندیشه اسلامی در حیطه باورها جای می‌گیرد و دروسی نظیر اخلاق کاربردی و دانش خانواده در دایره کنش‌ها و حیطه رفتاری. تنوع دروس معارف اسلامی بدون ایجاد زمینه پیوستگی بین آنها سبب از هم‌گسیختگی شان می‌شود، در حالی که با استفاده از ظرفیت موضوعی دانش سبک زندگی می‌توان تمام دروس معارف اسلامی را به‌گونه‌ای بازطراحی کرد که تمام دروس از حیطه باوری شروع شوند و در زمینه‌های ارزشی و کنشی ادامه یابند و همه آنها مانند قطعه‌های یک

جورچین، کامل‌کننده یک سیر منطقی باشند؛ یعنی با اصلاح یا شکل‌گیری صحیح باورها زمینه ایجاد گرایش‌ها و کنش‌ها فراهم شود.

ب) هدف سبک زندگی اسلامی

از آنجا که موضوع دانش سبک زندگی با رویکرد اسلامی الگوهای رفتاری با رویکرد دینی است، هدف اصلی دانش سبک زندگی اسلامی نیز استخراج الگوهای مطلوب زیستن در تمام شرایط خاص و جزئی زندگی روزمره خواهد بود (فعال، ۱۳۹۶: ۲۲۹). در حقیقت، رسالت سبک زندگی اسلامی آن است که زندگی طبیعی انسان که در طول تاریخ با آگاهی و اراده و عقلانیت تکامل یافته است را با آموزه‌های اسلامی هدایت و اصلاح کند (ر.ک: کافی، ۱۳۹۷). این هدف همسو تعریف علامه طباطبایی از دین با است. از نگاه علامه، دین در اصطلاح قرآن همان روش زندگی است که انسان‌گریزی از آن ندارد (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۳۹)؛ دین برنامه زندگی است (همان: ۱۹۶).

بر این اساس، هدف نهایی سبک زندگی اسلامی اصلاح شیوه زیستن انسان‌هایی است که دل در گرو آموزه‌های اسلامی دارند و این مهم با تعریف ارائه شده از دین کاملاً همسو و منطبق است. پرواضح است که تحقق این هدف و الا تمام اهداف دروس معارف اسلامی را در جنبه‌های مختلف بینشی، گرایشی و کنشی پوشش می‌دهد و افزون بر آن، عامل تکامل آن نیز خواهد بود.

ج) مدل ارائه سبک زندگی

برای ارائه مباحث سبک زندگی مدل‌ها و روش‌های گوناگونی وجود دارد. برخی موضوع محوری را برای طرح مباحث سبک زندگی پیشنهاد می‌کنند، مانند فراغت، مصرف و هویت (ر.ک: خانی، ۱۳۹۳). گونه‌ای دیگر از ارائه مدل سبک زندگی رابطه محور است؛ این مدل بر اساس انواع ارتباط سامان می‌یابد و شامل ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط با محیط می‌شود (معمدی، ۱۳۹۲). نوع دیگر برای ارائه سبک زندگی زمینه محور است و شامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، روانی، معنوی و جسمانی می‌شود. این مدل را می‌توان تلفیقی از الگوی بهداشتی سازمان بهداشت جهانی دانست. مدل دیگر سبک زندگی بر اساس گستره تأثیرات آن است. در این مدل، موضوعاتی مانند خانه و خانواده، شغل و فراغت مطرح می‌شوند (الری همیلتون، ۱۳۹۳). رفتار مصرفی روش دیگری برای مدل ارائه سبک زندگی است که در آن عناوینی مانند فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، فراغتی و دینداری مطرح می‌شوند (احمدی، ۱۳۹۴: ۶۱).

مدل دیگر ارائه مباحث سبک زندگی ناظر به ساحت‌های سه‌گانه وجود آدمی است. انسان از دو بُعد جسم و روح تشکیل شده است. بُعد نفسانی یا روحانی انسان حقیقتی است که سه ساحت دارد؛ ۱. ساحت معرفتی، شناختی یا بینشی؛ ۲. ساحت احساسی، عاطفی یا گرایشی؛ ۳. ساحت فعلی، رفتاری یا کرداری (رضوانی و شریفی، ۱۳۹۸). ساحت بینشی جنبه عقلانی و شناختی روان انسان را شکل می‌دهد و تمام جنبه‌های ادراکی و تئوری نفس آدمی را شامل می‌شود. ساحت گرایشی مربوط به ایجاد یا تغییر نگرش، طرز فکر، طرز تلقی یا ارزش‌گذاری‌ها است و حالت‌های انفعالی انسان و آنچه به لذت‌ها و دردهای انسانی مربوط می‌شود در این بخش قرار دارند؛ در نتیجه شامل انواع گرایش‌ها است، اعم از گرایش‌های مشترک میان انسان و حیوان، گرایش‌های مختص به انسان و نیز گرایش‌های مثبت و منفی (همان). رفتار ارادی و انتخاب آگاهانه و سنجیده از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان است. هر فعالیتی که افزون بر جنبه روانی، دارای جنبه جسمانی نیز باشد در ساحت رفتاری جای می‌گیرد. این ساحت همه اعمالی که با اختیار از انسان سر می‌زند را در بر می‌گیرد؛ اعم از اینکه درونی (جوانحی) باشند یا بیرونی (جوارحی) (همان).

به نظر می‌رسد مدل اخیر، روش مناسبی برای ارائه مباحث سبک زندگی باشد؛ چراکه موضوع سبک زندگی، قواعد یا الگوهای رفتاری است. این مدل، ضمن توجه به ساحت کنش، رفتار را فراتر از رفتارهای ظاهری دانسته و رفتارهای درونی را نیز شامل می‌شود. افزون بر آن، بر اساس این مدل، رفتارها در ساحت بینشی انسان ریشه دارد و آدمی در میدان عمل همواره از اندیشه و بینش خود کمک می‌گیرد و در پرتو تربیت، اصلاح یا فاسد می‌شود.

بر این اساس، دانش سبک زندگی با توجه به مدل ارائه‌اش از ظرفیت بسیار بالایی برای تحقق اهداف دروس معارف اسلامی برخوردار است؛ چراکه در مباحث سبک زندگی بر سه جنبه بینشی، گرایشی و کنشی تأکید می‌شود. بازطراحی دروس معارف اسلامی بر اساس مدل ارائه سبک زندگی این ظرفیت را ایجاد می‌کند که هر یک از دروس معارفی عهده‌دار ارائه بخشی از هر حیطه باشد و می‌توان انتظار داشت که با تقویت جنبه‌های باوری دانشجویان، زمینه اصلاح و تغییر رفتارها را نیز فراهم کند. برای نمونه، دروس اندیشه اسلامی در محدوده باورها جای می‌گیرند و درس‌هایی مانند آیین زندگی، دانش خانواده و دروس گرایش انقلاب اسلامی در حیطه رفتارهای فردی و اجتماعی و سیاسی.

بازطراحی دروس معارفی بر اساس الگوی ارائه‌شده نقش بسزایی در انسجام بخشی، اثربخشی، کارآمدسازی و رسیدن به اهداف دروس معارف اسلامی خواهد داشت؛ چراکه

محتوای این درس‌ها معطوف به این هدف واحد خواهد بود که از طریق اصلاح باورها زمینه اصلاح و تغییر رفتارها نیز فراهم شود. بنابراین در محتوای دروس و کیفیت ارائه آنها به این مسئله توجه خواهد شد که تمام آنها باید هماهنگ بر مدار هدفی جامع قدم بردارند؛ از این رو در محتوای دروسی که در حیطه باورها قرار می‌گیرند بر سرفصل‌هایی تأکید خواهد شد که بیشترین تأثیر را در ساخت رفتارهای فردی، اجتماعی و سیاسی داشته باشند. افزون بر این، از آنجا که رفتارها بر پایه باورهای صحیح شکل می‌گیرند، می‌توان به پایدار بودن آنها و سرایتشان به تمام ساحت‌های زندگی امیدوار بود. البته باید توجه کرد که برای رسیدن به این برنامه جامع باید تغییراتی در عناوین و محتوای دروس موجود انجام شود و عناوین و محتوای مورد نیاز در دستور کار برای تألیف و تدوین قرار گیرد.

د) جایگاه سبک زندگی در مدیریت تحولات فرهنگی اجتماعی

سبک زندگی از معدود مفاهیم پرمناقشه‌ای است که به‌رغم رشد فزاینده مطالعات فرهنگی و کاهش اعتبار قشربندی‌های سنتی ناظر به بُعد اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای در پژوهش‌های قرن اخیر داشته است (فاضلی و شریفی، ۱۳۹۹: ۱۴). امروزه سبک زندگی از راه تحولات محیطی و نظام‌های فناورانه گرفتار تغییر و تحول می‌شود. «مصرف» نقش تعیین‌کننده‌ای در این دگرگونی دارد و می‌تواند عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، از «لذت» در سطح فرد تا «توسعه» در سطح جامعه، را تحت تأثیر قرار دهد؛ از این رو چگونگی سبک زندگی برای بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، مانند ایران، در قالب مهندسی فرهنگی، یک دغدغه اصلی و راهبرد کلان دانسته و مطرح می‌شود (همان: ۱۵).

تحولاتی که امروزه در زندگی انسان شهرنشین در قالب الزامات فناورانه، اقلیمی و اجتماعی به وجود آمده است، به صورت مسئله‌ای جدی مطرح می‌شود؛ چراکه کاهش نگران‌کننده پیوندهای اجتماعی و اخلاق شهروندی از یک سو و ظهور شکل‌های گوناگونی از ناهنجاری‌ها و بیماری‌های رفتاری و حتی در سطح بالاتر، جرایم در حال روی دادن است و بهترین مسیر برای پیشگیری و برون‌رفت از این وضعیت، اصلاح سبک زندگی، به عنوان یک راهبرد اساسی، است (همان).

از سوی دیگر، در پی فراگیر شدن قواعد نظام‌های صنعتی و سرمایه‌داری و چیره شدن پدیده جهانی شدن بر فرهنگ‌ها و جوامع معاصر، انتخاب‌هایی متعدد، پیچیده و دشوار برای افراد جامعه وجود دارد. یکی از اهداف و نتایج گسترده‌ی دامنه انتخاب‌ها صدور کالاها و ایده‌های غربی به دیگر جوامع با هدف همسان و یکسان‌سازی فرهنگی از طریق سبک‌های زندگی است.

از آنجا که در سطح اجتماعی، دین سهم زیادی در تعیین سبک زندگی دارد و ارزش های دینی نقشی مهم در تنظیم رفتاری اجتماعی دارند، می توان ادعا کرد که سبک زندگی جامعه ایرانی تحت تأثیر ارزش های دینی است. با توجه به وقایع سده های گذشته جامعه ما، نمی توان نقش فعال باورها و ارزش های دینی در مقابله با تغییرات اجتماعی را نادیده گرفت. در یک جامعه دینی، نظیر ایران، که حفظ و نگهداری از باورها و ارزش های دینی و مذهبی از اولویت های فردی و اجتماعی محسوب می شود، افراد می کوشند که بر مبنای سبک ها و شیوه های متناسب با اعتقادات خود رفتار کنند و در نتیجه می توان از دین، در جایگاه یک منبع تعیین و تعدیل کننده سبک زندگی، بهره برد (ر.ک: همان؛ حیدری نیا و دیگران، ۱۳۹۴: ۲).

بر این اساس، می توان با استفاده از ظرفیت سبک زندگی دینی گامی اساسی برای جهت دهی به تغییرات فرهنگی اجتماعی جامعه ایران اسلامی برداشت و از ظرفیت این دانش برای پیشگیری نفوذ سبک و فرهنگ بیگانه و مقابله با آن بهره برد. در این خصوص، جهت دهی دروس معارف اسلامی - که نقش بسزایی بر جامعه علمی و فرهیخته کشور دارد - به سمت مباحث سبک زندگی می تواند ضمن انسجام بخشی درونی به این دروس، گام ویژه ای در اثربخشی به این دروس باشد و تأثیر آنها در محیط علمی را عیان سازد. این اقدام همچنین می تواند گام موثری در جهت جایگزینی دروس کارآمد و منطبق با نیاز روز جامعه با دروسی باشد که کارآمدی لازم را ندارند.

ه) سبک زندگی نیاز امروز، ضرورت فردا

امروزه کاربرد سبک زندگی از حوزه علوم رفتاری فراتر رفته و در علوم مختلف گسترش یافته است (فاضلی و شریفی، ۱۳۹۹: ۷). به دلیل تأثیر سبک زندگی در پیشرفت جامعه، در بیانیه گام دوم انقلاب بر این مفهوم، به عنوان یک راهبرد اساسی، در پرتو امید و نگاه خوش بینانه به آینده تأکید شده است.

از نگاه مقام معظم رهبری، پیشرفت همه جانبه نظام اسلامی به معناى ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. این تمدن نوین دو بخش دارد: بخش ابزاری و بخش اصلی و اساسی. بخش ابزاری همان ارزش هایی است که پیشرفت کشور را رقم می زنند، ولی بخش حقیقی چیزهایی است که متن زندگی را تشکیل می دهد؛ یعنی سبک زندگی، مانند مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار در محل کار، رفتار در دانشگاه، رفتار در مدرسه، رفتار در فعالیت سیاسی، رفتار در ورزش، رفتار در رسانه ای که در اختیار داریم، رفتار

با پدر و مادر، با همسر، با فرزند، با دوست، با دشمن، با رئیس، با مرئوس، با پلیس، با مأمور دولت، با بیگانه، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما. این‌ها بخش‌های اصلی تمدن هستند که متن زندگی انسان را شکل می‌دهند (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی؛ ۱۳۹۱/۷/۲۳).

بخش نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی، یعنی موضوعات سبک زندگی اسلامی، باید در دروس معارف اسلامی مطرح شود؛ برای نمونه، بسیاری از موضوعاتی که مقام معظم رهبری مطرح کردند در ذیل مباحث خانواده، اوقات فراغت، مدیریت بدن، روابط اجتماعی و فرهنگ سازمانی قرار می‌گیرند. اگر دروس معارف اسلامی، بر اساس وظیفه ذاتی خود، به دنبال تحقق این فرمان رهبری باشند، باید از ظرفیت خود برای تبیین صحیح این موضوعات استفاده کند. بر این اساس، سبک زندگی علاوه بر آنکه برای امروز جامعه ضرورت دارد، با نگاه به آینده و چشم‌انداز تحقق تمدن نوین اسلامی نیز امری ضروری است که باید آحاد جامعه، به ویژه قشر فرهیخته، توجهی ویژه به آن داشته باشند. بنابراین بازطراحی دروس معارف اسلامی با استفاده از ظرفیت دانش سبک زندگی اسلامی می‌تواند نقش بسزایی در پاسخگویی به این نیاز امروز جامعه داشته باشد و زمینه تحقق نگاه تمدنی مقام معظم رهبری را فراهم کند.

و) قدرت پاسخگویی به نیازهای روز جامعه

سبک زندگی، به دلیل برخورداری از امتیازات منحصر به فرد، قدرت پاسخگویی به نیازهای روز جامعه را دارد. سبک زندگی را می‌توان در تمام کنش‌های فردی، اجتماعی و به صورت کلی محیط اجتماعی فرد مشاهده و توصیف کرد؛ به تعبیر دیگر، سبک زندگی ناظر به جنبه‌های ملموس و عینی نظام ارزشی و فرهنگ جامعه است (فعال، ۱۳۹۶: ۴۱). افزون بر آن، سبک زندگی می‌تواند هویت جامعه و کنشگران آن را آشکار کند؛ چراکه انسان‌ها با رفتارهایشان بینش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، باورها و شخصیت حقیقی خود را آشکار می‌کنند. از این راه می‌توان به بُعد نرم‌افزاری جامعه، که همان سبک زندگی آحاد است، پی برد (همان: ۴۲).

زندگی از عناصر بسیاری تأثیر می‌پذیرد. یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار مهم «دین» است (فاضلی و شریفی، ۱۳۹۹: ۱۸۴). بر اساس پژوهش‌های انجام شده، دین ظرفیت عملی حل مسائل اجتماعی و پاسخ به آنها را دارد (همان: ۱۸۸). برای اثبات کارآمدی دین در عرصه اجتماعی لازم است که سبک زندگی را با رویکرد دینی ارائه داد. با این رویکرد، ضمن اثبات کارآمدی دین، گام مهمی در جهت دهی به تغییرات جامعه برداشته خواهد شد. دروس معارف اسلامی با تغییر جهت‌گیری به سبک زندگی و تبیین موضوعاتی در چهار حیطه رفتاری - یعنی ارتباط با خدا، خود، دیگران و محیط - می‌تواند نقش سازنده‌ای در اثبات کارآمدی دین در

میان قشر فرهیخته جامعه داشته باشد و از رهگذر دانش سبک زندگی نیز سرفصل دروس خود را متناسب با اهداف ترسیم شده سامان دهد.

نتیجه

دانش سبک زندگی، به واسطه امتیازاتی که دارد، می تواند نقشی بی بدیل در انسجام بخشی، کارآمدسازی و اثربخشی دروس معارف اسلامی داشته باشد. دلایل مهم این ادعا عبارت اند از:

۱. موضوع دانش سبک زندگی الگوهای رفتاری است و گستره مسائل آن تمام افعال جوارحی و جوانحی، قیامی و صدوری، ارادی، عبادی و غیرعبادی، فردی، جمعی و خانوادگی را شامل می شود. گستردگی موضوعی دانش سبک زندگی فرصت مناسبی برای انسجام بخشی به دروس مختلف معارف اسلامی است؛ چراکه موضوعات این دروس از دایره موضوعی سبک زندگی خارج نیستند و با بازتعریفشان در گستره سبک زندگی می توان گام مهمی در انسجام بخشی به آنها برداشت.

۲. هدف نهایی سبک زندگی اسلامی اصلاح سبک زیست انسان هایی است که دل در گرو آموزه های اسلامی بسته اند. پرواضح است که تحقق این هدف والاتمام اهداف دروس معارف اسلامی را در جنبه های مختلف بینشی، گرایشی و کنشی پوشش می دهد.

۳. برای ارائه مباحث سبک زندگی مدل ها و روش های گوناگونی وجود دارد. یکی از این روش ها ارائه مباحث سبک زندگی ناظر به ساحت های سه گانه وجود آدمی است. انسان از دو بُعد جسم و روح تشکیل شده است. بُعد نفسانی یا روحانی انسان حقیقتی است که خودش سه ساحت دارد: ۱. ساحت معرفتی، شناختی یا بینشی، ۲. ساحت احساسی، عاطفی یا گرایشی، ۳. ساحت فعلی، رفتاری یا کرداری. این مدل می تواند روش مناسبی برای ارائه مباحث سبک زندگی باشد؛ چراکه موضوع سبک زندگی قواعد یا الگوهای رفتاری است. این مدل ضمن توجه به ساحت کنش، رفتار را فراتر از رفتارهای ظاهری می داند و رفتارهای درونی را نیز شامل می شود. افزون بر آن، بر اساس این مدل، رفتارها در ساحت بینشی انسان ریشه دارند و آدمی در میدان عمل همواره از اندیشه و بینش خود کمک می گیرد و در پرتو تربیت، صالح یا فاسد می شود. بر این اساس، دانش سبک زندگی، با توجه به مدل ارائه ای که دارد، از ظرفیت بسیار بالایی برای تحقق اهداف دروس معارف اسلامی برخوردار است؛ چراکه در مباحث سبک زندگی بر سه جنبه بینشی، گرایشی و کنشی رفتارها تأکید می شود که در انسجام بخشی، اثربخشی، کارآمد سازی و رسیدن به اهداف دروس معارف اسلامی نقش بسزایی دارد.

۴. سبک زندگی را می‌توان در تمام کنش‌های فردی، اجتماعی و به‌صورت کلی محیط اجتماعی فرد مشاهده و توصیف کرد. انسان‌ها با رفتارهایشان بینش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، باورها و شخصیت حقیقی خود را آشکار می‌کنند. از این راه می‌توان به بُعد نرم‌افزاری جامعه، یعنی سبک زندگی آحاد، پی برد. از سوی دیگر، دین ظرفیت عملی حل مسائل اجتماعی و پاسخ به آنها را دارد. بر این اساس، برای اثبات کارآمدی دین در عرصه اجتماعی لازم است که سبک زندگی با رویکرد دینی ارائه شود. با این رویکرد، ضمن اثبات کارآمدی دین، گام مهمی در جهت‌دهی به تغییرات جامعه برداشته خواهد شد. دروس معارف اسلامی با تغییر جهت‌گیری به سبک زندگی می‌توانند نقش سازنده‌ای در اثبات کارآمدی دین در میان قشر فرهیخته جامعه داشته باشند و از رهگذر دانش سبک زندگی نیز سرفصل‌های خود را متناسب با اهداف ترسیم‌شده سامان دهند.

۵. با فراگیر شدن قواعد نظام‌های صنعتی و سرمایه‌داری و چیره شدن پدیده جهانی شدن بر فرهنگ‌ها و جوامع معاصر، انتخاب‌های افراد پیچیده، متعدد و دشوار شده است. یکی از نتایج و اهداف گسترده دامن انتخاب‌ها صدور کالاها و ایده‌های غربی به دیگر جوامع به‌منظور همسان و یکسان‌سازی فرهنگی از طریق اعمال سبک‌های زندگی است. از آنجا که دین سهم بسیار در تعیین سبک زندگی اجتماعی دارد و ارزش‌های دینی نقشی مهم در تنظیم رفتاری اجتماعی دارند می‌توان ادعا کرد که سبک زندگی جامعه ایرانی تحت تأثیر ارزش‌های دینی است. با استفاده از ظرفیت سبک زندگی دینی می‌توان گامی اساسی برای جهت‌دهی به تغییرات فرهنگی اجتماعی جامعه ایران اسلامی برداشت و از ظرفیت این دانش برای پیشگیری و مقابله با نفوذ سبک زندگی و فرهنگ بیگانه بهره برد. در این خصوص، جهت‌دهی دروس معارف اسلامی - که نقش بسزایی در جامعه علمی و فرهیخته کشور دارد - به سمت مباحث سبک زندگی می‌تواند ضمن انسجام بخشی درونی به این دروس، گام ویژه‌ای در اثربخشی به این دروس باشد و تأثیر حضور این دروس را در محیط علمی عیان کند.

۶. به دلیل تأثیر بسیار سبک زندگی در پیشرفت جامعه، در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر این مفهوم، به‌عنوان یک راهبرد اساسی، در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده تأکید شده است. از سوی دیگر در نگاه مقام معظم رهبری، سبک زندگی بخش حقیقی تمدن نوین اسلامی را در بر می‌گیرد. بر این اساس، سبک زندگی علاوه بر آنکه برای امروز جامعه ما ضرورت دارد، با نگاه به آینده و چشم‌انداز تحقق تمدن نوین اسلامی نیز امری ضروری است که باید آحاد جامعه، به‌ویژه قشر فرهیخته، توجهی

ویژه به آن داشته باشند. بنابراین بازطراحی دروس معارف اسلامی با استفاده از ظرفیت دانش سبک زندگی اسلامی می‌تواند نقش بسزایی در پاسخگویی به این نیاز امروز جامعه داشته باشد و زمینه تحقق نگاه تمدنی مقام معظم رهبری را فراهم کند.

۷. از مجموع مباحث پیش‌گفته می‌توان نتیجه گرفت که دانش سبک زندگی ظرفیت لازم برای بازطراحی دروس معارف اسلامی را دارد؛ هرچند ارائه نقشه راه و برنامه آموزشی پیشنهادی نیازمند تحقیقات مستقل است که در فرصت‌های آتی باید در کانون توجه ویژه قرار گیرد.

کتابنامه

۱. آتشین صدف، عبدالرضا (۱۳۹۹)، نظریه‌پردازان سبک زندگی؛ اندیشمندان غربی، انتشارات تیماس.
۲. احمدی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، امیرکبیر.
۳. حسنی، محمدحسین؛ ذکایی، محمدسعید؛ طالبی، ابوتراب؛ انتظاری، علی (۱۳۹۶)، «مفهوم‌سازی سبک زندگی فرهنگی»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال هشتم، شماره اول.
۴. حیدری‌نیا، علی و دیگران (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه جامعه‌شناختی باورهای دینی و سبک زندگی اسلامی، مطالعه موردی شهرستان زاهدان»، همایش ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز.
۵. خانی، حسین (۱۳۹۳)، «تطبیق مفهوم‌شناسی شیوه زندگی در تمدن غربی و تمدن اسلامی»، فرهنگ مردم ایران، شماره ۳۷.
۶. خوشی، ابوالفضل (۱۳۹۱)، «تبیین و شناسایی مسائل و نیازهای دانشجویان در برنامه درسی دروس معارف اسلامی دانشگاه‌های شهر تهران به منظور ارائه الگوی مطلوب»، پایان‌نامه رشته برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. رضوانی، علی؛ شریفی، احمدحسین (۱۳۹۸)، «قرآن و ارزش‌های اخلاقی ناظر به ساحت‌های سه‌گانه وجودی انسان»، معرفت اخلاقی، شماره ۲۶.
۸. الری همیلتون، اسمیت (۱۳۹۳)، «سبک‌های زندگی: الگوها و گرایش‌ها»، ترجمه فاطمه نبی‌لو و الهام فراستی، مطالعات سبک زندگی، شماره ۸.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۹)، تعالیم اسلام، به کوشش سید هادی خسروشاهی، چ سوم، قم: بوستان کتاب.
۱۰. غلامی‌گنجوی، عبدالله؛ شمسایی، مریم (۱۳۹۸)، «شناخت آسیب‌ها و راهکارهای کارآمدی دروس معارف اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۲۳، شماره ۳ (۸۰).
۱۱. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
۱۲. فاضلی، نعمت‌الله؛ شریفی، سعید (۱۳۹۹)، دین و سبک زندگی؛ بررسی تجربی در کلان‌شهر تهران، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۱۳. فعالی، محمدتقی (۱۳۹۶)، مبانی سبک زندگی اسلامی، مؤسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین.
۱۴. فلاحتی، حمید (۱۳۹۵)، سبک زندگی؛ شاخص‌ها و زمینه‌ها، مؤسسه فرهنگی و هنری دین و معنویت آل یاسین.
۱۵. فیروزی، رضا (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی دروس و جایگاه استادان معارف اسلامی با توجه به دیدگاه‌های دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در دوره دکترای حرفه‌ای»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۱۹، شماره ۲ (۶۳).
۱۶. فیست، جس و دیگران (۱۳۹۴)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر روان.

۱۷. کافی، مجید (۱۳۹۷)، «سبک زندگی در پرتو قرآن»، پژوهش نامه سبک زندگی، شماره ۷.
۱۸. لیاقتدار، محمدجواد؛ شانظری، جعفر؛ مسلمی، معصومه (۱۳۷۸)، «بررسی ویژگی های علمی، حرفه ای و شخصیتی اساتید دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان شهر کرمان»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی (دانشگاه اصفهان)، سال ۷، ش ۵۷.
۱۹. مجیدی، محمدرضا؛ فاتحی، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، «سنجش نگرش دانشجویان نسبت به برنامه ریزی دروس معارف اسلامی»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال ۱۲، شماره ۳ (۴۱).
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۴)، آموزش فلسفه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۱. معتمدی، عبدالله (۱۳۹۲)، «سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی (ارتباط انسان با خود، خداوند، دیگران و طبیعت)»، فرهنگ مشاوره و روان درمانی، دوره ۴، شماره ۱۳.